



روش‌شناسی کتاب مناقب آل ابی طالب و آسیب‌شناسی آن در نقل از منابع اهل سنت^۱

زینب السادات حسینی (استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران)

z.hosseini@umz.ac.ir

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۴/۱۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۶/۱۶)

چکیده

مناقب آل ابی طالب، کتابی است که بر اساس روایات شیعه و سنی در باره فضیلت پیشوایان معصوم دین نوشته شده است. مصادر و مدارک اهل سنت، دسته‌بندی از منابع مهم این کتاب است که به گفته مؤلف، به منظور غلبه بر خصم و اتمام حجت بر آنان مورد استفاده قرار گرفته است. مؤلف در ابتدای کتاب یادآور می‌شود که قصد دارد روایت‌های درست را از کتب عامه و خاصه بدون تعصب و با دیده انصاف جهت بازشناسی حجت از شبهه و بدعت از سنت ارائه دهد. این پژوهش که به شیوه توصیفی، تحلیلی و با مطالعه اسنادی صورت گرفته، درصدد است این دیدگاه را مورد بررسی قرار دهد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اگر چه این شهر آشوب به منابع اهل سنت مراجعات مکرری داشته و حتی گاهی به نقد این روایات پرداخته، اما این روش تعمیم نیافته و در سراسر کتاب اجرا نشده است؛ لذا ضعف‌هایی از این طریق وارد کتاب شده است.

کلیدواژه‌ها: ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، منابع اهل سنت، آسیب‌شناسی، نقد متن.

مقدمه

کتاب مناقب آل ابی طالب اثر مشهور و ماندگار ابن شهرآشوب مازندرانی، عالم برجسته قرن ششم هجری است. ابن شهرآشوب کتاب المناقب را با موضوع فضایل پیشوایان معصوم دین و با هدف ترویج اعتقادات شیعه نگاشته است. مؤلف برای تدوین این کتاب به همه منابع و مدارک کهن اسلامی مراجعه نموده و به منابع بی‌شماری استناد کرده است. یکی از منابع مهم و پرکاربرد ابن شهرآشوب در تألیف این کتاب، مدارک و متون مورد پذیرش اهل سنت است. شیوه عمومی مؤلف، آن است که ابتدا روایات اهل سنت را مطرح کرده و روایات شیعه را در پی آن می‌نویسد. او در مقدمه، کتاب‌های متعددی را از اهل سنت نام می‌برد و یادآور می‌شود که قصد دارد به نقد روایات این طایفه بپردازد و کاستی‌های آن را نیز بیان کند (ابن شهرآشوب، ۱۳۹۲: ۸/۱). بر این اساس، پرسش بنیادی این پژوهش، آن است که آیا ابن شهرآشوب در متن کتاب پای‌بندی خود را به این ادعا نشان داده و توانسته اخبار آنان را نقد کند و موارد ضعف آن را یادآور شود؟ هم‌چنین این مقاله پرسش‌هایی در زمینه علت استفاده مؤلف از منابع و مصادر اهل سنت در تدوین کتاب مطرح ساخته و به آسیب‌شناسی این شیوه پرداخته است.

ابن شهرآشوب مازندرانی

ابن شهرآشوب مازندرانی یکی از دانشمندان پرکار شیعه است که به تألیف کتاب مناقب آل ابی طالب توفیق یافته است. رشید الدین ابو عبد الله محمد بن علی بن شهرآشوب ساروی مازندرانی، ملقب به عز الدین و رشید الدین در حدود سال ۴۸۸ق، در ساری به دنیا آمد. او از خاندانی بود که پرچم‌دار تشیع امامیه در تبرستان بودند. پدر بزرگ او، شهرآشوب از شاگردان شیخ طوسی بوده و از او اجازه روایت حدیث داشته و پدرش از مشاهیر علما و محدثان شیعه در عصر خود بوده است (مدرسی تبریزی، ۱۳۷۴: ۸/۵۸-۵۹).

حیات علمی ابن شهرآشوب در دو دوره قابل بررسی است: دوره اول حیات او از زادگاهش در شهر ساری آغاز شد. او در تبرستان رشد کرد و آموختن را از همانجا آغاز کرد. تحصیلات مقدماتی را نزد پدرش آموخت و در هشت سالگی حافظ قرآن شد (همان). شروع مرحله دوم حیات علمی علامه از هجرت او از تبرستان آغاز می‌شود. ابن شهرآشوب برای تکمیل علوم، چنان که رسم عالمان آن عصر بود، به شهرهای مختلف سفر کرد. اگر چه انگیزه سفر ابن شهرآشوب درگیری

او با حاکم شهر ساری گزارش شده است، ولی قبول این مسأله که او تنها به این دلیل سفرهای علمی خود را آغاز کرده باشد، کمی دشوار است. لذا به نظر می‌رسد مهم‌ترین انگیزه او از هجرت بی‌بازگشتش، تحصیل دانش و اندوختن تجربه بوده است. او در مدت کوتاهی به درجه‌ای از دانش و تقوا رسید که دانشوران شیعه به او لقب شیخ الطائفه ثانی دادند (همان: ۵۹ / ۸) و عده‌ای نیز جایگاهی مانند خطیب بغدادی برای او در میان علمای شیعه قایل شده‌اند. سیوطی (۱۳۹۶ق) در این باره می‌نویسد:

او نزد شیعه در تألیفات در زمینه تعلیقات حدیث و رجال حدیث، مراسیل، متفق و مفترق و دیگر انواع دانش حدیث بسان خطیب بغدادی برای اهل سنت است و دارای دانش گسترده و صاحب فنون بسیار بود (۹۶).

ابن شهرآشوب در این سفر به حوزه‌های گوناگونی وارد شد و عالمان و محدثان بزرگی را ملاقات کرد. محمد بن حسن فُتال نیشابوری، جبار الله زمخشری، امین الاسلام طبرسی، ابوالفتوح رازی از بزرگ‌ترین عالمانی هستند که علامه در این هجرت با آن‌ها دیدار کرد و در محضر آنان درس آموخت (ابن شهرآشوب، ۱۳۹۲: ۱۸ / ۱ - ۲۲).

او در سال ۵۴۷ق، در زمان خلافت مقتفی (۵۳۰ - ۵۵۵ق) سی و یکمین خلیفه عباسی، وارد بغداد شد و در زمان همین خلیفه، در سال ۵۵۳ق، کتاب المناقب را تألیف کرد. به دلیل فضای باز سیاسی - که در جامعه حاکم شده بود - او فرصت فعالیت یافت و در مناظراتی که برگزار می‌شد، شرکت می‌کرد و به دلیل پیروزی در این مناظره‌ها به رشید الدین ملقب شد (ذهبی، ۱۴۱۳ق: ۳۱۰ / ۴۱). ابن شهرآشوب تا زمان خلافت المستضیء بالله (۵۶۶ - ۵۷۵ق) در بغداد ماند، ولی به دلیل اقتدار علمای حنبلی و سعی خلیفه مذکور در گسترش عقاید و افکار آنان و بی‌اعتنایی به وی رهسپار حله و سپس موصل شد و سرانجام در سال ۵۷۳ق، به شهر حلب - که در آن زمان حکومت حمدانیان در حلب پناهگاه شیعیان شده بود - وارد شد (مدرسی تبریزی، ۱۳۷۴: ۵۹ / ۸). بعدها که شهر حلب به دست ایوبیان سنی مذهب نیز افتاد، فعالیت شیعیان ادامه داشت؛ به گونه‌ای که ابن شهرآشوب پس از وفات ابن زهره حلبی در ۵۸۵ق، رهبر شیعیان آن شهر شد (دوانی، ۱۳۶۳: ۴۵۵ / ۳). علامه تا پایان عمر خود در شهر حلب ماند و در سال ۵۸۸ق، در یکصد سالگی درگذشت (امین، بی‌تا: ۸۲ / ۱).



ابن شهر آشوب برای هدایت مردم و در دفاع از حریم قدسی اسلام خدمات شایسته‌ای انجام داد. برگزاری مجالس وعظ و خطابه، برپایی کرسی تدریس و تألیف و تصنیف آثار متعدد در رشته‌های مختلف اسلامی از خدمات ارزنده این عالم بزرگ شیعه است. بی‌شک، علامه یکی از چهره‌های درخشان شیعه در حفظ و نشر احادیث است. او به دلیل سفرهای متعدد و آشنایی با بزرگان دانش‌های اسلامی به اکثر کتاب‌های دست اول شیعه و همچنین آثار شیخ طوسی دست یافت و آن‌ها را در تألیفاتش منعکس کرد؛ لذا نقش وی در حفظ و گسترش میراث مکتوب شیعه غیر قابل انکار است.

ابن شهر آشوب صاحب آثار زیادی است که برخی عبارت‌اند از: متشابه القرآن و مختلف فیه، مناقب آل ابی طالب علیهم‌السلام، معالم العلماء، مثالب النواصب، اعلام الطريق فی الحدود و الحقایق، الاربعون، الاوصاف، الاسباب النزول علی مذهب آل الرسول، المثال فی الامثال، المنهاج، الحاوی (حر عاملی، بی‌تا: ۲/ ۲۸۵-۲۸۶). از این مجموعه تنها سه اثر اولی به چاپ رسیده و از این سه نیز مهم‌ترین آن‌ها کتاب المناقب است (ابن شهر آشوب، ۱۳۹۲: ۱/ نوزده).

کتاب مناقب آل ابی طالب

کتاب مناقب آل ابی طالب یکی از آثار ارزشمند شیعه در زمینه فضیلت‌نگاری است. علامه این کتاب را در سال ۵۵۳ق، زمانی که در بغداد می‌زیسته، نگاشته است (ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰: ۱۱۳). مناقب‌نگاری سنتی در حدیث‌پژوهی فریقین است که از قرن دوم آغاز شد و در قرن ششم به اوج خود رسید. این کتاب‌ها عموماً به مناقب و فضایل رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، ائمه علیهم‌السلام و یا صحابه و تابعان اختصاص دارد (همان: ۴۰). مناقب آل ابی طالب نیز کتابی است که حیات و فضایل پیشوایان معصوم دین علیهم‌السلام را از زبان شیعه و اهل سنت بازگو می‌کند. این کتاب به دلیل جامعیت و مطالب ارزنده، منشأ و مأخذ آثار متعددی از جمله طالب السؤول فی مناقب آل الرسول، اثر ابن طلحه شافعی بوده است (همان: ۴۷).

ابن شهر آشوب این کتاب را با هدف اثبات حقانیت و فضیلت پیشوایان معصوم دین تألیف کرد. از این رو، المناقب در شکل دادن باورهای شیعه و ترویج فرهنگ و معارف این مکتب نقش مهمی دارد.

ابن شهرآشوب در ابتدای کتاب به انگیزه خود از تألیف کتاب اشاره می‌کند و ضرورت فرهنگی و اجتماعی تألیف آن را توضیح می‌دهد. او انگیزه اصلی تألیف کتاب المناقب را شانه تپه کردن مردم آن عصر از ولایت امیرمؤمنان علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام، فراموش کردن فضایل آنان و اختلاف آرا در این باره معرفی می‌کند (ابن شهرآشوب، ۱۳۹۲: ۱/۱). وی در شرح و بسط انگیزه خود می‌نویسد:

پیراسته‌ترین ایشان حدیث انگشتی و داستان غدیر و حدیث طیر و آیه تطهیر را به کناری نهاده‌اند و با انصاف‌ترین ایشان حدیث کهف (همان: ۳/۱۵۲۴)، ماجرای مباحله، داستان هدیه‌ها (همان: ۳/۱۲۹۷) و اخبار ارتقا (همان: ۳/۱۴۴۳ - ۱۴۴۴) را کتمان کرده‌اند. نیکوترین ایشان در حدیث «أنا مدینه العلم» و حدیث قلم و دوات خدشه آورده‌اند و مشهورترین ایشان در باره حدیث وصیت و تفسیر آیه «يَوْمَ نَبُوءَ بِاللَّذَرِ» (انسان: ۷) توقف گزیده‌اند ... (همان: ۲/۱).

او بر آن است که گروهی در شأن نزول برخی از آیات، مانند آیه «إِنَّمَا وَلِيكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ» (مائده: ۵۵) و صدور احادیثی همچون «أنت مني بمنزله هارون من موسى» و «إني تارك فيكم الثقلين» دست برده و آن‌ها را به ناروا تأویل می‌کنند (همان: ۳/۱) و عده‌ای دیگر در راویان این فضایل نیز خدشه آورده‌اند؛ به این صورت که اگر تنها یک روایت در فضیلت امام علی علیه السلام نقل شود، آن‌ها را ساخته ملحدان و روافض معرفی می‌کنند. این در حالی است که بسیاری از روایات فضایل صحابه را به دلیل تأیید بخاری و مسلم به راحتی می‌پذیرند (همان: ۵).

ابن شهرآشوب همچنین از دستبرد و جعل در برخی از روایات فضایل خبر می‌دهد که ناظر به احادیثی مانند «الحسن و الحسين سیدا شباب اهل الجنة» و «وكان أحب الناس إلى رسول الله من الرجال على و من النساء فاطمه» در فضیلت شیخین ساخته شده است (همان). از دیگر دلایل ابن شهرآشوب برای تألیف این کتاب، نقد و رد دیدگاه‌های علمایی همچون نظام و جاحظ است. به گفته او، نظام در دو کتاب الفتی و النکت در داوری‌های امام علی علیه السلام مناقشه کرده و یا جاحظ که ایمان آن حضرت علیه السلام را به دلیل صغر سن نمی‌پذیرفت و همچنین معتقد بود که شجاعت امام علیه السلام در لحظه ضربت ابن ملجم به دلیل پیش‌گویی رسول خدا صلی الله علیه و آله شجاعت نیست (همان: ۶). بنا بر این، او با مشاهده این وضعیت اسفبار به نوشتن کتابی در فضایل خاندان نبوت روی می‌آورد و با جمع‌آوری روایات هر دو طایفه بر فضایل و برتری آنان صحنه می‌گذارد.

کتاب المناقب ساختار یک‌دستی دارد و با فصل‌بندی منظم از مناقب رسول خدا ﷺ شروع شده و با ذکر مناقب یک‌یک اهل بیت علیهم‌السلام به پایان می‌رسد. از برخی گفته‌ها برمی‌آید که بخش‌هایی از این کتاب مفقود شده و به دست ما نرسیده است و آنچه امروز از المناقب در دست است، منتخباتی است که حسین بن جبیر گزینش کرده و آن را نخب المناقب نامگذاری کرده است (تهرانی، بی‌تا: ۸۹/۲۴). نسخه‌های خطی المناقب در کتابخانه آیه الله مرعشی موجود است (حافظیان بابلی، ۱۳۹۲: ۳۰۵).

شیخ حسین بن جبیر، شاگرد نجیب الدین ابی‌الحسین علی بن فرج، شاگرد ابن شهرآشوب است. او از علامه با یک واسطه روایت می‌کند. به گفته حسین بن جبیر در نخب المناقب، المناقب کتاب پرحجمی بوده که او خلاصه کرده و دیباچه‌ای را بر آن افزوده است (تهرانی، بی‌تا: ۸۹/۲۴ - ۹۰).

دلیل دیگری که موجود نبودن اصل المناقب را می‌رساند، گفته‌های ابن شهرآشوب در مقدمه کتاب است که تصریح می‌کند:

این کتاب را با سخن مهتران پیامبران و رسولان ﷺ آغاز کردم، سپس به امامان راستین پرداختم و آن‌گاه با سخن در باره صحابه و تابعان به پایان بردم (ابن شهرآشوب، ۱۳۹۲: ۱/۲۴).

اما علاوه بر این که کتاب فاقد بخش پایانی است و باب اخیر در نسخه‌های فعلی به چشم نمی‌خورد، مناقب اهل بیت علیهم‌السلام نیز تا امام حسن عسکری علیهم‌السلام نقل شده و باب امام عصر (ع) در آن موجود نیست. از این رو، با اطمینان باید گفت که المناقب موجود منتخب و گزینش و یا شکل دیگری از المناقب ابن شهرآشوب است.

منابع ابن شهرآشوب در تألیف المناقب

ابن شهرآشوب، آن‌گونه که در مقدمه بیان می‌کند، کتاب المناقب را بر اساس پرشماری سامان داده است. در این زمینه نکته‌های زیر یادکردنی است:

- یک. شیوه مؤلف، نقل از منابع پیش از خود است. ابن شهرآشوب به منابع معتبر و کتاب‌های کهن اسلامی مراجعه کرده و المناقب را بر اساس روایات و اخبار آنان نوشته است.
- دو. یکی از ویژگی‌های مهم این کتاب مراجعه و استفاده از مدارک و مصادر اهل سنت است. در کتاب المناقب ارجاعات مکرر و متعددی به کتاب‌های اهل سنت وجود دارد، تا جایی که

کتاب‌های اهل سنت را می‌توان یکی از منابع مهم این اثر محسوب کرد. ابن شهر آشوب نزدیک به هشتاد کتاب اهل سنت را - که شامل منابع فضیلت نگاری، جوامع و کتاب‌های حدیثی، کتاب‌های تاریخی و تفسیرهای اثری است - در مقدمه نام برده است. از کتاب‌هایی که در زمینه فضایل اهل بیت و صحابه در میان محدثان اهل سنت به نگارش درآمده است، می‌توان از مناقب فاطمه ابن شاهین، خصائص نطنزی، شرف المصطفیٰ خرگوشی، ما نزل من القرآن فی امیر المؤمنین ابونعیم اصفهانی، فضایل العشرة ابوالسعادات، فضائل الصحابه زعفرانی، فضایل امیر مؤمنین ابوبکر مردویه و ... نام برد.

همچنین از کتاب‌های حدیثی، مانند صحیح البخاری، صحیح مسلم، مسند احمد بن حنبل، الموطأ مالک بن انس، مسند ابوحنیفه، سنن لاکائی، مسند شافعی، صحیح دارقطنی، مسند ابویعلی، المستدرک حاکم نیشابوری، مسند ابویعلی، جامع ترمذی، مسند ابن البیوع، اربعین ابوصالح مؤذن و ... استفاده کرده است.

در بخش کتاب‌های تاریخی می‌توان به تاریخ الطبری، تاریخ خراسان سلامی، تاریخ بغداد خطیب بغدادی، تاریخ ابوبکر احمد بن کامل و تاریخ ابوعلی بیهقی اشاره کرد؛ همچنین که تفسیر نقلی الکشف و البیان ثعلبی، کشف زمخشری را در زمینه منبع تفسیری و قرآنی در دست داشته و به آن استناد کرده است (همان: ۹ - ۲۰).

سه. یکی از نکته‌های مهم در باره این اثر - که نقطه قوت آن نیز محسوب می‌شود - ذکر طرق نقل از منابع مورد استفاده است. ابن شهر آشوب به رسم پیشینیان خود، طریق دسترسی به کتاب‌ها و منابع کهن اسلامی را بیان می‌کند و به گونه‌ای اخبار کتاب را از ارسال خارج می‌کند. او طریق خود به صحیح البخاری را این گونه می‌نویسد:

از ابوعبدالله محمد بن فضیل صاعد فراری و از ابوعثمان سعید بن عبدالله عیار صعلوکی و از خبازی، این هر سه از ابوالهیثم کشمیهنی، از ابوعبدالله محمد فریری، از محمد بن اسماعیل بن مغیره بخاری. همچنین از ابوالوقت عبدالاول بن عیسی بحری، از داوودی، از سرخسی از فریری از بخاری (همان: ۹).

دقت در طرق بالا روشن می‌کند که علامه به کتاب صحیح البخاری چهار طریق به ترتیب

زیر داشته است:

- ابوعبدالله محمد بن الفضیل صاعد فراری،

- ابوعثمان سعید بن عبدالله عیار صلحی،

- الخبازی،

- ابوالوقت عبدالاول بن عیسی بحری.

همچنین، علامه یک طریق نقل به صحیح مسلم داشته که به این قرار است:

از فراری از ابو الحسین عبد الغافر فارسی نیشابوری، از ابو احمد محمد بن عمرویه

جلودی، از ابو اسحاق ابراهیم بن محمد فقیه، از ابوالحسن مسلم بن حجاج نیشابوری

(همان).

ابن شهرآشوب تمام طریق خود را به صاحبان کتاب بازگو کرده و همچنین در مورد طرق تحمل حدیث از صاحبان کتابها یادآور می‌شود که آنها را به صورت سماع، قرائت، مناووله، اجازه و مکاتبه دریافت کرده است (همان).

چهار. روش ابن شهرآشوب در نقل فضایل پیشوایان معصوم دین علیهم‌السلام غالباً این گونه است که ابتدا از منابع اهل سنت شروع می‌کند و آنگاه به نقل از کتابهای شیعه می‌پردازد. او این روش را در سراسر کتاب اجرا می‌کند، اما اگر از منابع اهل سنت مطلبی نیافت، به سراغ روایات شیعه می‌رود. چه بسا بتوان گفت که او به روایات شیعه استشهد می‌کند؛ به این صورت که از آنها به عنوان شاهی بر روایات اهل سنت استفاده کرده تا به این وسیله راه هر گونه تکذیب و انکار بسته شود. البته به نظر می‌رسد گاهی روایات شیعه در نقد یا ردّ و یا توضیح روایات اهل سنت به کار گرفته شده است؛ به این صورت که ابن شهرآشوب به نقل کامل آن از طریق احادیث شیعه مبادرت می‌کند؛ برای نمونه از کتابهای اهل سنت از جمله فضائل الصحابه زعفرانی و الرساله القوامیه سمعانی در باره گذر کردن حضرت فاطمه علیها‌السلام از صراط از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم این گونه نقل می‌کند:

چون روز قیامت شود و مردمان در پیشگاه خداوند تعالی بایستند، منادی از پس پرده

بانگ زند: ای مردم، چشمان خویش فروهلید و سر فرو افکنید که فاطمه دخت

محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بر صراط می‌گذرد (همان: ۵ / ۲۴۴۲ - ۲۴۴۳).

علامه در تکمیل این خبر از قول شیعه می‌نویسد:

اما اهل بیت علیهم‌السلام روایت کرده‌اند که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: چون روز قیامت شود، دخترم

فاطمه بر شتری از شتران بهشت روی کند که به ابریشم آراسته است، افسارش از

مروارید تازه است، پاهایش از زمرد سبز است، دمش از مشک خوشبوی است، چشمانش دو یاقوت سرخ است، بر فراز سر او خیمه‌ای از نور است که درونش از بیرون و بیرونش از درون دیده می‌شود. درون آن عفو خدا و بیرون آن رحمت خداست. بر سرش تاجی از نور است و آن نور هفتاد گوشه دارد و هر گوشه آراسته به مروارید و یاقوت است و چنان می‌درخشد که کوکب دژی در افق آسمان بدرخشید و در جانب راست او هفتاد هزار فرشته و سمت چپ او هفتاد هزار فرشته هستند و جبرئیل افسار شتر را در دست گرفته است و با فریاد بلند بانگ می‌زند: چشمان خویش فروهلید تا فاطمه بگذرد (همان).



انواع روایات اهل سنت در کتاب المناقب

از اهل سنت روایات و اخبار فراوانی در فضایل پیشوایان معصوم دین در کتاب المناقب وجود دارد که در دسته‌های ذیل جای می‌گیرند:

دسته اول. روایات و یا اخبار موقوفی است که در شرح و توضیح آیات صادر شده است و شأن نزول یا تطبیق آیات است؛ برای نمونه ابن عباس می‌گوید: پیامبر ﷺ در مسجد الحرام با صدای بلند نماز می‌خواند. برخی از قریشیان آزرده شده و خواستند که جلوی پیامبر ﷺ را بگیرند. اما ناگهان دیدند دست‌هایشان به گردن‌هایشان خشک شده و نابینا شدند. پس نزد پیامبر ﷺ آمدند و گفتند: تو را به خداوند و به خویشاوندی که داریم سوگند می‌دهیم. پیامبر ﷺ دعا کرد و این دشواری از آنان برداشته شد و این آیات نازل شد:

﴿يَسْ * وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ * إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ * عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ * تَنْزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ. لِيُنذِرَ قَوْمًا مَّا أُنذِرَ آبَاؤُهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ * لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَى أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ * إِنَّا جَعَلْنَا فِي أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا فَهِيَ إِلَى الْأَذْقَانِ فَهُمْ مُقْمَحُونَ * وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ﴾ (یس: ۱-۹) (همان: ۱/۱۵۹).

دسته دوم. روایاتی است که ابتداءً و بدون این که توضیح آیه‌ای باشد، از رسول خدا ﷺ در فضیلت آن بزرگواران بیان شده است. در کتاب السؤدد از سلیمان بن سلیم نقل شده است که پیامبر ﷺ فرمود: «حسن شکوه و سروری‌ام را به ارث برده و حسین دلیری و گشاده دستی را» (همان: ۲۶۰۴/۵).

دسته سوم. روایاتی است که صحابه پیامبر ﷺ از معجزات و مناقب ایشان بازگو کرده است؛ برای نمونه ابن عباس گفته است:

قریشیان در حجر گرد آمدند و به لات و عزی و منات سوگند خوردند و پیمان نهادند که هرگاه محمد را دیدیم هم دست شویم و او را بکشیم. فاطمه علیها السلام که این را شنید، گریان به حضور پدر آمد و داستان را با او بازگفت. پیامبر ﷺ فرمود: ابریقی پیش آور. آن گاه وضو ساخت و به مسجد الحرام آمد. چون او را دیدند گفتند: هلا، اینک این اوست. سرها فرو افکندند و چانه به سینه درآوردند و هیچ کس نتوانست دستی به سویس دراز کند. پیامبر ﷺ مشتی خاک برداشت، بر آنان افشاند و فرمود: رویتان سیاه باد. هیچ کس نبود که در آن روز از آن خاک به صورتش رسیده باشد و در نبرد بدر کشته نشود (همان: ۱/ ۱۴۸-۱۴۹).

دسته چهارم. سخنانی است که طایفه سنت و جماعت در فضیلت و بزرگی اهل بیت علیهم السلام بازگو شده است و یا فقط به نقل سخن این بزرگواران می پردازد؛ برای نمونه ترمذی و بلاذری نقل کرده اند که از امام علی علیه السلام پرسیده شد: چه شده است که تو بیش از همه یاران پیامبر صلی الله علیه و آله حدیث کرده ای؟ فرمود: «از او می پرسیدم و مرا آگاهی می داد و اگر سکوت می کردم خود با من سخن می گفت» (همان: ۲/ ۸۸۵).

علت استفاده از منابع و کتاب های اهل سنت

این شهر آشوب در این حوزه بسیار بر منابع اهل سنت تکیه می کند؛ چنان که به نظر می رسد بیش از آن که منابع شیعه در اولویت قرار بگیرند، او به آثار علمای اهل سنت توجه دارد. با مطالعه سیره ابن شهر آشوب و با در نظر گرفتن اوضاع فرهنگی و اجتماعی آن عصر عملکرد او در این باره از جهات زیر حایز اهمیت است:

یک. اتمام حجت و اسکات منکران برتری اهل بیت علیهم السلام

یکی از انگیزه ها و دلیل اصلی تدوین کتاب بر اساس منابع اهل سنت، اتمام حجت بر آنان در مسأله برتری و فضیلت پیشوایان معصوم دین و اثبات حقانیت شیعه است. در حقیقت، ابن شهر آشوب می خواهد در باره عظمت و برتری پیشوایان معصوم دین - که به گفته خود به فراموشی سپرده شده و یا مورد انکار قرار گرفته است - از همان منشور فکری و مبانی اعتقادی آنان دلیل بیاورد. او در مقدمه می گوید:

آن گاه که طایفه‌ای عقیده‌ای بر خلاف آنچه روایت کرده است، اختیار کند و به چیزی بر ضد آنچه نقل کرده و از آن خبر داده است، گردن نهد، راه خطا پیموده است؛ و گر نه چرا انسان آنچه را که نزد خود او دروغ است، روایت کند و بر آنچه به خلاف آن عقیده دارد، گواه بیاورد؟ و چگونه به آنچه مخالف او بدان استدلال می‌جوید، اعتراف کند و آنچه را با علم پیشین او سر ناسازگاری دارد به نگارش درآورد؟ (همان: ۸/۱).

به این ترتیب، ابن شهر آشوب برای الزام خصم و اتمام حجت با آنان به منابع ایشان رجوع می‌کند و هر آنچه را از حسن و مناقب پیشوایان معصوم دین که در این کتاب‌ها وجود دارد، بازگو می‌کند. بررسی‌های اولیه در المناقب نشان می‌دهد که او نه از مطالب سست و بی‌پایه، بلکه از مطالب محکم و متقنی استفاده کرده که اهل سنت چاره‌ای جز پذیرفتن آن ندارند.

دو. تقریب مذاهب و تعامل با علمای اهل سنت

ابن شهر آشوب مازندرانی عالمی است که از شرایط نابسامان و اوضاع آشفته عصر خود به دلیل اختلافات فرقه‌ای و عدم اتحاد بین مسلمانان رنج می‌برد و در اندیشه آشتی دادن مسلمانان و همبستگی میان آنان است. او سعی می‌کند با بیان نقاط مشترک مذاهب و تقریب بین دیدگاه‌ها در آثارش آنان را از نظر اعتقادی به هم نزدیک سازد. از این رو ابن شهر آشوب تعامل سازنده‌ای با متفکران و بزرگان فرقه‌های اهل سنت دارد و در محافل و مجالس آنان شرکت می‌کند. زمخشری (م ۵۳۸ق) عالم بزرگ معتزله مؤلف تفسیر الکشاف، استاد و شیخ اجازه ابن شهر آشوب است. او علاوه بر تفسیر مذکور، اجازه روایت از کتاب‌های ربیع الابرار و الفائق فی غریب الحدیث را نیز به ابن شهر آشوب داده است (امین، بی تا: ۶/۲۹۲). از دیگر استادان سنی مذهب ابن شهر آشوب می‌توان از خطیب خوارزمی (م ۵۸۶ق)، نویسنده کتاب فضائل امام امیرالمؤمنین و امام ابوحنیفه نام برد. از این لحاظ برخی از علمای بزرگ اهل سنت در قرون بعدی، همچون صلاح الدین صفدی (م ۷۴۶ق)، مجدالدین فیروزآبادی (م ۸۵۲ق) و جلال الدین سیوطی (م ۹۱۱ق) از او به بزرگی یاد کرده‌اند (دوانی، ۱۳۶۳: ۳/۴۹۷).

سه. کشف حقیقت و نادیده نگرفتن مسلمات تاریخی

هر محققى در پژوهش‌های خود به دنبال کشف حقیقت است و کمتر محقق منصفی وجود دارد که بر اساس پیش‌دوری‌های خود به تحقیق و پژوهش دست بزنند. ابن شهر آشوب نیز از همین

روش علمی پیروی می‌کند و آن چنان که خود نیز تصریح می‌کند، به دنبال کشف حقیقت است و قصد دارد بدون تعصب به دفاع از اهل بیت علیهم‌السلام بپردازد و پرده ابهام را از جایگاه و موقعیت آنان کنار بزند. علامه در ابتدای کتاب نشان می‌دهد که تا چه حد تعصبات قومی و مذهبی موجب کنار گذاشتن روش علمی در تحقیق و در نتیجه نادیده گرفتن مسلمات تاریخی شده است (ابن شهر آشوب، ۱۳۹۲: ۸-۲/۱). بنا بر این، او از همه ابزارهای کشف حقیقت استفاده کرده و منقولات اهل سنت را وسیله‌ای برای دستیابی به این هدف والا و متعالی برمی‌گزیند.

چهار. تقویت حوزه نظریه‌پردازی اهل سنت

در مقابل برخی از اهل سنت - که مقام والای ائمه علیهم‌السلام را بر نمی‌تابند - اکثریتی وجود دارد که دوستدار و محب اهل بیت علیهم‌السلام هستند و مطالبی را که در طول تاریخ بر آن‌ها تحمیل شده است، نکوهش می‌کنند؛ اما با وجود این رویکرد در حوزه نظر، چندان بر جایگاه آنان به عنوان ولی خدا و جانشینان به حق پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تأکید نمی‌کنند. به نظر می‌رسد این شهر آشوب قصد دارد با بیان سخنان و منقولات اهل سنت در این باره، حوزه نظریه‌پردازی آنان را تقویت کند تا در باره جایگاه اهل بیت علیهم‌السلام مطالب سست را تکرار نکنند و شیوه‌ای دیگر گزینند.

فواید استفاده از کتاب‌های اهل سنت در المناقب

چنان که پیش‌تر گذشت، علامه در تدوین کتاب به منابع پرشمار اهل سنت سر زده و آن دسته از اخبار آنان را که به فضایل پیشوایان معصوم دین اختصاص داشت، در این مجموعه روایت کرد. این عمل فواید زیادی دارد که امروزه با گذشت قرن‌ها روشن می‌شود:

یک. شناسایی و احیای آثار مفقوده

در کتاب المناقب، نام کتاب‌هایی آمده که اکنون در دسترس نیستند. یکی از مهم‌ترین فوایدی که این دست تألیفات دارد، شناسایی آثار مفقودی است که در طول تاریخ از میان رفته است. کتاب المناقب در واقع پلی است که به واسطه آن می‌توان از برخی آثار مفقوده اطلاع یافت؛ آثاری که اکنون تنها نام آن‌ها در این کتاب وجود دارد و اصل آن از بین رفته است. با مطالعه المناقب می‌توان علاوه بر شناخت این آثار، به احیای آن‌ها نیز پرداخت. نام برخی از کتاب‌های مفقود اهل سنت - که در کتاب المناقب آمده است - عبارت‌اند از: مناقب ابن شاهین، مناقب مردویه، فضایل عکبری، امالی حاکم نیشابوری (اسلامی، ۱۳۹۲: ۹۰/۱).

دو. شناخت موارد اختلاف و یا تعارض روایات و سخنان شیعه و اهل سنت

اگر چه هدف اصلی ابن شهرآشوب از درج روایات اهل سنت، جمع بین روایات مختلف نیست، اما به نقل روایات مختلف می‌پردازد که با این روش می‌توان تفاوت روایات اهل سنت و شیعه در یک موضوع واحد را معلوم کرد؛ برای نمونه در تاریخ طبری آمده است که فاطمه علیها السلام شبانه به خاک سپرده شد و جز عباس، علی، مقداد و زبیر کسی دیگر در تشییع او حاضر نشد؛ اما ابن شهرآشوب (۱۳۹۲) پس از نقل این خبر می‌نویسد:

اما در روایت‌های ما است که امیرمؤمنان علیه السلام، حسن علیه السلام، حسین علیه السلام، عقیل، سلمان، ابوذر، مقداد و بریده و در روایت دیگری، عباس و پسرش فضل و همچنین در روایتی حدیفه و ابن مسعود بر او نماز گذاردند (۵ / ۲۵۲۷).

سه. وسعت اطلاعات و جامعیت علمی مؤلف

ابن شهرآشوب ذوفنون است. وسعت اطلاعات او در حوزه‌های مختلف علوم دینی، به ویژه حدیث و تفسیر زبازد خاص و عام است. بسیاری از محققان او را با عنوان کثیرالعلم ستوده و به او شیخ الطائفه ثانی لقب دادند (دوانی، ۱۳۶۳: ۳ / ۴۹۵). سفرهای علمی علامه سبب شد تا با اکثر متون کهن اسلامی آشنا شود و به آن‌ها دسترسی پیدا کند و قدرت درک و مهارت علمی به او کمک کرد تا این متون را تحلیل کند و بر آن‌ها مسلط شود و در آثارش مورد استناد قرار دهد. امروزه این امر را می‌توان از جامعیت آثارش دریافت.

آسیب‌شناسی این شیوه

هیچ پژوهش‌گری ادعای بی‌خطا بودن ندارد و همواره از نقد و پژوهش‌های تکمیلی استقبال می‌کند. خود ابن شهرآشوب (۱۳۹۲) نیز ضمن انکار هر گونه خط قرمز در دانش، بی‌نقص بودن کتاب را نفی کرده و می‌نویسد:

این تنها چیزی از کل است و خدای می‌داند که من به ناتوانی و نارسایی خود اعتراف دارم ... هر کار را فرجامی است، هر چند به درازا بکشد، اما دانش را پایانی نیست (۱ / ۲۲).

با وجود موفقیت علامه در تدوین این اثر جامع و منحصر به فرد، برخی نقاط ضعف، به ویژه در زمینه استفاده از مصادر و مدارک اهل سنت در این کتاب وجود دارد که عبارت‌اند از:



یک. عدم ذکر سند و بررسی سندی

بررسی اسنادی حدیث، شیوه‌ای است که از قرن هشتم هجری به عنوان سنت مورد قبول شیعه در نقد حدیث رواج یافت. البته این سخن نقد سند در پیش از این تاریخ را نفی نمی‌کند. چرا که متقدمان نیز خود را بی‌نیاز از نقد سندی نمی‌دیدند. در این اثر حدیثی نیز انتظار می‌رفت که علامه به بررسی سند احادیثی که از منابع اهل سنت بیان کرده، بپردازد تا به این وسیله از اعتبار این اخبار دفاع کند. اما علامه حتی از بیان اسناد روایات نیز به دلیل رعایت اختصار خودداری کرده و شهرت راویان و ذکر طرق نقل را برای اجتناب از این امر کافی می‌داند. او در ابتدای کتاب می‌نویسد:

در این کتاب به متون اخبار کفایت کردم و از پرگویی و برهان جستن بر ظواهر و دلیل یافتن بر معنا و محتوای آن‌ها روی گرداندم و سندها را حذف کردم؛ هم به واسطه شهرت آن‌ها و هم از آن روی که به راویان و طرق آن‌ها و کتاب‌هایی که اخبار را از آن‌ها برگزیده‌ام، اشاره داشتم... (همان: ص ۲۳).

سخن علامه با وجود دانش رجالی‌اش قابل نقد است: اولاً، همه راویان، مشهور نیستند و حتی در صورت برخوردار بودن از شهرت، امکان تعدد و شهرت چند نفر به یک نام وجود دارد؛ چنان که در مقدمه کتاب آمده که از ابوالعباس احمد اصفهانی کتاب الترغیب و الترهیب را نقل کرده (همان: ۱۸)؛ در حالی که چهار نفر از هم‌عصران وی به این نام معروف بوده و حداقل احتمال نقل کتاب از دو نفر بیشتر وجود دارد (رک: الاثنا عشری، ۱۴۲۲ق: ۳۶)؛ ثانیاً، بودن عده‌ای مجهول و ضعیف در زنجیره سند بعید به نظر نمی‌رسد. از این رو ذکر سلسله سند و بررسی راویان آن ضروری به نظر می‌رسد؛ به ویژه برای آیندگانی که از این کتاب استفاده می‌کنند و به قرآینی که متقدمان را به صحیح بودن اخبارشان یاری می‌کرده، دسترسی ندارند.

دو. عدم بررسی متن

چنان که در ابتدای کتاب آمده است، علامه در رابطه با متن چند کار عمده انجام داده است: نخست، به گزینش روایات اقدام کرده است؛ به این صورت که از برخی روایات طولانی، تنها موضع حاجت را آورده و نیز در دو خبر مشابه اخباری را برگزیده که معنا را رسانده باشند؛ اگر چه در الفاظ از آن دیگری کمتر داشته باشد. او حتی برخی اخبار غریب را به دلیل شهرت نقل و یا موافقت با قرآن به کناری ننهاد و به آن‌ها اعتماد کرده است (ابن شهر آشوب، ۱۳۹۲: ۲۳).

ابن شهرآشوب در رابطه با متن و محتوای روایات کتابش مدعی است که برخی از آن‌ها
اجماعی و تعدادی از آن‌ها متواتر و گروهی دیگر از شهرت نقلی برخوردار است (همان). از این رو
خود را بی‌نیاز از بررسی متنی می‌بیند و شیوه‌های نقد متن را در این کتاب اجرا نمی‌کند. لذا برخی
از محققان معاصر در باره این کتاب می‌گویند: «برخی روایت غریب است و استبعاد جدی عقلانی
دارد، در نتیجه پذیرفتنی نیست» (شاکری، ۱۳۹۲: ۲/۶۷۸).

نمونه‌هایی در المناقب وجود دارد که این گفته را تأیید می‌کند:

- ابومنصور کاتب در روایتی از ابوذر این گونه نقل می‌کند:

فاطمه علیها السلام، علی علیه السلام را دید که سرش بر دامن کنیزی است که جعفر با چهار هزار
درهم به او هدیه کرده بود. گفت: مرا اجازه می‌دهی به سرای پیامبر صلی الله علیه و آله بروم؟ فرمود:
آری تو را اجازه دادم. فاطمه علیها السلام به سرای پیامبر صلی الله علیه و آله رفت و پیامبر صلی الله علیه و آله به او گفت:
دخترم آمده‌ای تا از علی علیه السلام شکایت کنی؟ گفت: به خدای کعبه سوگند. آری. فرمود:
نزد علی علیه السلام برو و سه بار بگو: به رغم خواسته من و برای خرسندی تو. چون
فاطمه علیها السلام بازگشت و این سخن گفت. علی علیه السلام فرمود: از من نزد خلیلم و حبیبم
شکایت برده‌ای؟ ای فاطمه، خدا را گواه می‌گیرم که این کنیز در راه خدا آزاد است (ابن
شهرآشوب، ۱۳۹۲: ۵/۲۴۷۸ - ۲۴۷۹).

چنان که روشن است، اعمالی که در این روایت به این بزرگواران نسبت داده شده، با سیره،
شان و منزلت آنان سازگاری ندارد، لذا پذیرش آن کار دشواری است.

- در تفسیر ثعلبی از ابن سیرین نقل شده است که آیه ﴿ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ
نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا ﴾ (فرقان: ۵۴)، در باره پیامبر صلی الله علیه و آله، حضرت فاطمه علیها السلام و امام
علی علیه السلام - که هم پسر عمو و هم داماد پیامبر است - نازل شده است (همان: ۳/۱۱۹۱؛ ثعلبی،
۱۴۲۲ق: ۷/۱۴۲).

در این سخن هم از این جهت که ابن سیرین تابعی (م ۱۱۰ق) ناقل روایت اسباب نزول است،
مناقشه است و هم از این نظر که روایاتی از ائمه شیعه علیهم السلام و همچنین خود ابن سیرین آن را
تأویل آیه دانسته‌اند؛ نه آن که سبب نزول آیه باشد. ابن شهرآشوب (۱۳۹۲) می‌گوید:

ابن عباس، مسعود، جابر، براء، انس، ام سلمه، سدی، ابن سیرین گفته‌اند و امام
باقر علیه السلام نیز در باره آیه ﴿ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ

رُبُكٌ قَدِيرًا﴾ (فرقان: ۵۴)، فرموده: «مقصود محمد ﷺ، امام علی ﷺ و حضرت فاطمه ﷺ، حسن ﷺ و حسین ﷺ است و ﴿وَ كَانَ رُبُكٌ قَدِيرًا﴾ نیز قائم آخر الزمان...» (۱۱۹۱ / ۳).

سه. عدم ذکر برخی طرق نقل

ابن شهر آشوب برای مسند نشان دادن احادیث المناقب، طریقه دسترسی خود به آن کتاب‌ها را در مقدمه بیان کرده است و با این شیوه سعی کرده تا روایات را از آسیب ارسال خارج کند؛ اگر چه در این زمینه موفق عمل کرده، اما برخی طریق نقل، مانند طریق خود به کتاب اربعین ابوصالح ابن مؤذن (همان: ۵ / ۲۴۵۷ و ۲۴۵۹) را ذکر نکرده است. بنا بر این، روایاتی که از کتاب ابن مؤذن در المناقب وجود دارد، مشکل ارسال دارد و چندان قابل استناد نیست، مگر این که شواهد و قراینی در تأیید آن‌ها وجود داشته باشد و یا کتاب از شهرت برخوردار باشد.

نتیجه

۱. کتاب مناقب آل ابی طالب یکی از آثار گران سنگ شیعه با موضوع سیره و فضایل پیشوایان معصوم دین ﷺ است. ابن شهر آشوب فراموش کردن فضایل اهل بیت ﷺ و حیرت از اختلاف آرا در این باره را دلیل تألیف بیان می‌کند.
۲. یکی از منابع مهم کتاب المناقب، مصادر و مدارک اهل سنت است که ابن شهر آشوب از نزدیک به هشتاد اثر به دلایل متعددی چون اتمام حجت بر آنان، تقریب مذاهب، تقویت حوزه نظریه‌پردازی اهل سنت در باره جایگاه اهل بیت ﷺ و نادیده نگرفتن مسلمات تاریخی استناد کرده است.
۳. علامه در مقدمه کتاب یادآور می‌شود که قصد دارد روایات این فرقه را به صورت کامل نقل کند و با نقد این روایات سره را از ناسره جدا کند. اما در عمل چندان موفق نبوده و روایات این فرقه به دلیل عدم بررسی سندی و نقد متنی و همچنین عدم ذکر برخی از طرق نقل، ضعف دارد و چندان قابل استناد نیست. البته اگر شواهد دیگر مانند نقل روایات در منابع شیعه و یا مطابقت با قرآن و اجماع این روایات را تأیید کند، مورد استناد قرار می‌گیرند.

پی‌نوشت:

۱. مقاله حاضر برگرفته از طرح پژوهشی است که از سوی معاونت پژوهشی دانشگاه مازندران مورد حمایت مادی و معنوی قرار گرفته و از دانشگاه مازندران تقدیر و تشکر می‌گردد.



کتابنامه

۱. ابن شهرآشوب، محمد بن علی. (۱۳۸۰ق). معالم العلماء، نجف: مطبعة الحیدریه؛
۲. —. (۱۳۹۲). مناقب آل اَبی طالب، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی؛
۳. الاثنا عشری، عبدالمهدی. (رجب - ذوالحجّة ۱۴۲۹ق). «مشیخة ابن شهرآشوب محمد بن علی بن شهرآشوب»، تراثنا، السنة الرابعة و العشرون، العددان ۳ و ۴، صص ۷-۹۵؛
۴. امین، حسن. (بی تا). مستدرک اعیان الشیعه، بیروت: دار التعارف للمطبوعات؛
۵. تهرانی، آقا بزرگ. (بی تا). الذریعة إلى تصانیف الشیعه، قم: اسماعیلیان؛
۶. ثعلبی، ابواسحاق احمد بن ابراهیم. (۱۴۲۲ق). الکشف و البیان عن تفسیر القرآن، بیروت: دار إحياء التراث العربی؛
۷. حر عاملی، محمد حسن. (بی تا). أمل الآمل، نجف: مکتبة الاندلس؛
۸. درگاهی، زین العابدین. (۱۳۹۱). ابن شهرآشوب ساروی، تهران: رسانش نوین؛
۹. دوانی، علی. (۱۳۶۳). مفاخر اسلام، تهران: امیرکبیر؛
۱۰. ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد. (۱۴۱۳ق). تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام، تحقیق: عمر عبد السلام تدمری، بیروت: دار الكتاب العربی، چاپ دوم؛
۱۱. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن. (۱۳۹۶ق / ۱۹۷۶م). طبقات المفسرین، تحقیق: علی محمد عمر، بی جا: مکتبة وهبه؛
۱۲. مدرسی تبریزی، محمد علی. (۱۳۷۴). ریحانة الادب، تهران: خیام؛
۱۳. اسلامی، محمد جعفر. (۱۳۹۲). «بررسی منابع مفقوده اهل سنت در مناقب آل اَبی طالب»، مجموعه مقالات، ساری: نخستین کنگره بین المللی ابن شهرآشوی ساروی مازندرانی، صص ۸۱-۱۰۰؛
۱۴. حافظیان بابلی، ابوالفضل. (۱۳۹۲). «نسخه های خطی آثار ابن شهرآشوب»، مجموعه مقالات، ساری: نخستین کنگره بین المللی ابن شهرآشوی ساروی مازندرانی، صص ۲۹۰-۳۱۰؛